یادداشت

میدان شهدا، میدان جهاد تبیین

سیدعبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

۱۷ شهریور، روزی بود که حق در برابر باطل به میدان ژاله‌های خونین آمد. مردمی بی‌سلاح، با ایمان و آرمان، در برابر رژیمی ایستادند که سرکوب را نه فقط ابزار حفظ قدرت، بلکه اصل بقای خود می‌دانست. آن روز، میدان ژاله به‌دست ساختار امنیتی و سرکوبگر پهلوی که مأموریت داشت صدای حق‌طلبی را با گلوله خاموش کند، به میدان خون بدل شد. و امروز، حقیقت انقلاب در معرض تحریف قرار گرفته است، نه با گلوله، بلکه با روایت‌های جعلی و تصویر سازی‌های فریبنده و جنگ شناختی تمام‌عیار علیه نسلی که باید بداند چرا انقلاب شد و چرا دشمن می‌خواهد آن را از حافظه‌ها پاک کند.

مردمی که سال‌ها در زیر خاکستر اختناق، فساد، وابستگی و تحقیر زیسته بودند، آن روز با شعار برخاسته از شعور و ایمان به میدان آمدند تا بگویند: «ما هستیم، و می‌خواهیم آزاد باشیم.» اما رژیم پهلوی، که بقایش را در سکوت و سرکوب می‌دید، تصمیم گرفت صدای مردم را با ارعاب، گلوله و خون خاموش کند و آن روز به‌عنوان نقطه عطف انقلاب، سندی شد برای اثبات اینکه مردم ایران، برای حقیقت، جان می‌دهند. امروز، آن حقیقت در معرض جنگ تمام‌عیار شناختی قرار گرفته و دشمن با بهره‌گیری از امواج رسانه، در حال بازنویسی و جعل تاریخ است.

رژیم پهلوی که نماد فساد اقتصادی، وابستگی سیاسی، بی‌هویتی فرهنگی و سرسپردگی به بیگانگان بود، در روایت‌های جعلی به نماد پیشرفت و آزادی بدل می‌شود و انقلاب اسلامی که در مسیر رهایی از استثمار و تحقیر به دست بیگانگان با خون هزاران شهید بنا شده، به‌عنوان گفتمانی ارتجاعی، ضد حقوق بشر، محدودکننده آزادی‌های مدنی معرفی می‌شود.

نسل جوان امروز که نه امام خمینی (ره) را دیده، نه طاغوت را لمس کرده و نه انقلاب را تجربه کرده، در معرض شدیدترین و سنگین‌ترین جنگ رسانه‌ای و عملیات ادراکی تاریخ ایران قرار گرفته است. دشمن، با ترویج مفاهیم لیبرالیستی، التقاطی و ترویج بی‌بندوباری اخلاقی، در حال تغییر ذائقه فکری و هویتی این نسل بر اساس سبک زندگی مبتذل و بلکه مستهجن غربی است. از مسئولیت ناپذیری و ازدواج سفید تا نفی فرهنگ غنی ایرانی و تا تمسخر شهادت، همه در قالب سرگرمی، طنز، بازی‌های رایانه‌ای و روایت‌های شبه‌مستند، به ذهن مخاطب تزریق می‌شود.

در این میدان، گلوله‌ها جای خود را به الگوریتم‌ها داده و پلتفرم‌ها میدان نبرد شده و ذهن جوان ایرانی خاکریز اصلی این جنگ است. دشمن آمده تا ذهن‌ها را اشغال کند و در این میدان رسالت مجاهدان عرصه جهاد تبیین و روشنگری برای خنثی‌سازی تلاش دشمن و برای آزادی ذهن جوانان از چنگال دژخیمان رسانه بسیار سنگین است. در این میدان، جهاد تبیین، فراتر از توصیه یک ضرورت حیاتی راهبردی و تمدنی است. باید برای نسل جوان، نه فقط تاریخ را بازگو کرد، بلکه آن را باید بازسازی کرد. باید نشان داد که رژیم پهلوی چگونه ایران را به حیاط خلوت غرب تبدیل کرده بود، چگونه فساد، فحشا، تبعیض و تحقیر ملی را نهادینه کرده بود و چگونه انقلاب اسلامی، نه برای بازگشت به گذشته، بلکه برای ساختن آینده‌ای مستقل، آزاد و الهی شکل گرفت.

نسل جوان با اقتدای به فرهنگ شهدا باید تفاوت آزادی واقعی و مسئولانه با بی‌قیدی مورد نظر نظام سلطه را وجدان کند. باید بفهمد که حقوق بشر، در بستر عدالت معنا پیدا می‌کند و این همان چیزی است که غرب درپی نابودی آن است. در شرایطی که مردم جهان مرگ عدالت را در غزه به چشم می‌بینند، جوان ایرانی با تجهیز به سواد رسانه باید نسبت به فریبکاری رسانه‌ای دشمن آگاه شود و درک کند که پیشرفت در پناه غرور و عزت ملی معنا پیدا می‌کند و این همان چیزی است که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با انسجام اجتماعی مردم ایران به نمایش گذاشته شد.

در روز ۱۷ شهریور، باید پرچم تبیین مفاهیم انقلاب را به اهتزاز درآورده و با زبان نسل جوان و با روایت، با تصویر، با تجربه سخن گفت. باید از شهدای دهه ۹۰ گفت. باید نشان داد که انقلاب، زنده است نه در شعار، بلکه در سبک زندگی، در انتخاب‌ها، در مقاومت‌ها. باید به نسل جوان گفت شما نه تماشاگران تاریخ بلکه وارثان خون عزیزانی هستید که برای عزت و استقلال کشور شربت شهادت نوشیدند. شما باید میدان‌دار باشید، نه مصرف‌کننده روایت‌های دشمن. شما باید بفهمید، بپرسید و بایستید.

۱۷ شهریور، که دیروز میدان خون بود، امروز میدان فهم است. اگر آن روز مردم با جان خود از حقیقت دفاع کردند، امروز نوبت ماست که با قلم، با روایت و با حضور در میدان رسانه، از آن حقیقت دفاع کنیم. دشمن آمده تا ذهن‌ها را اشغال کند. ما باید برخیزیم تا دل‌ها را آزاد کنیم. این، جهاد تبیین است و این ادامه همان انقلابی است که میدان ژاله‌های خونین در سراسر کشور را به میدان شهدا مبدل ساخت.

خبر آخر

نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان:

وحدت ثمره خون هزاران شهید شیعه و سنی است

نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری با اشاره به تأکید امام خمینی (ره) بر وحدت شیعه و سنی و نامگذاری «هفته وحدت»، گفت: این ابتکار امام راحل، توطئه‌های دشمنان برای ایجاد تفرقه را خنثی کرده است.

ماموستا «اقبال بهمنی» نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با دفاع‌پرس، ضمن تبریک سالروز میلاد پیامبر اکرم (ص) به همه مسلمانان جهان، وجود مبارک ایشان را مایه رحمت و برکت برای عالمیان دانست و اظهار داشت: خداوند متعال پیامبرش را «رحمت للعالمین» معرفی می‌کند و ما نمی‌توانیم حتی یک هزارم این رحمت را وصف کنیم.

وی یکی از برکات بعثت پیامبر (ص) را ایجاد وحدت دانست و بیان داشت: پیامبر اکرم (ص) با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه اساس وحدت بین مؤمنان، انسان‌ها و حتی ادیان الهی را پایه‌ریزی کردند.

نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری با استناد به آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَه» برادری دینی را یکی از اصول اصلی اسلام برشمرد و افزود: این آیه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به زیبایی در ایران اسلامی متجلی شد؛ زمانی که کرد، ترک، فارس، بلوچ، شیعه و سنی، همه حول این محور واحد، در برابر حمله رژیم صهیونیستی و امریکا ایستادگی کردند.

وی رمز پیروزی مسلمانان صدر اسلام را در سه عامل «رهبری واحد»، «شریعت اسلام» و «وحدت» دانست و خاطرنشان کرد: امروز نیز ملت ایران با اعتقاد به شریعت و پیروی از رهبری، رمز پیروزی خود را به دست آورده‌اند. ماموستا بهمنی با اشاره به تأکید امام خمینی (ره) بر وحدت شیعه و سنی و نامگذاری «هفته وحدت»، گفت: این ابتکار امام راحل، توطئه‌های دشمنان برای ایجاد تفرقه را خنثی کرده است.

وی سپس با اشاره به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره تحریم هرگونه اهانت به نمادهای اهل سنت، یادآور شد: این وحدت، ثمره خون بیش از ۱۲ هزار شهید سنی و شیعه در کردستان و بیش از ۱۰۰ روحانی مجتهد و مفتی است که برای دفاع از نظام اسلامی جان فدا کردند. این اتحاد که بین اقوام، مذاهب و همچنین بین رهبری و ملت وجود دارد، بزرگ‌ترین سد در برابر توطئه‌های دشمنان است و ان‌شاءالله همیشه پابرجا خواهد ماند.

خبریک

رهبر معظم انقلاب خطاب به مسئولان دولتی، مطبوعات و رسانه ملی:

راویان قدرت و قوت کشور باشید

■ ادامه از صفحه یک

همچنین در زمینه صادرات نفت تحرک بیشتری لازم است و باید مشتریان نفت را متنوع و متعدد کرد. ایشان، «کنترل مصرف و پرهیز از اسراف» را ضروری خواندند و با اشاره به اسراف بخش زیادی از منابع کشور در بخش دولتی گفتند: در زمینه آب، برق، گاز و ساختمان‌های دولتی اسراف وجود دارد. همچنین در زمینه سفرهای غیرلازم یا همراهان بیش از حد نیاز یا اقامت در هتل‌های گران‌قیمت، اسراف‌هایی انجام می‌شود که باید از آنها جلوگیری کرد.

■ قطع شریان حیاتی صهیون با دیپلماسی

رهبر انقلاب در بخش پایانی سخنانشان با اشاره به انبوه جنایات و فاجعه‌آفرینی حیرت‌انگیز صهیون ملعون که با اعلام بدون شرم و حیا از طرف آنها در حال انجام است، تأکید کردند: اگرچه این جنایات به پشتیبانی قدرتی همچون امریکا انجام می‌شود اما راه برای مقابله با این وضعیت بسته نیست و کشورهای معترض، به خصوص کشورهای اسلامی باید روابط بازرگانی و حتی روابط سیاسی خود را با رژیم صیهونیستی به‌کلی قطع و آن را منزوی کنند. ایشان رژیم صهیونیستی را منزوی‌ترین و منفورترین رژیم جهان خواندند و افزودند: یکی از خطوط اصلی دیپلماسی ما نیز باید ترغیب دولت‌ها به قطع روابط بازرگانی و سیاسی با این رژیم جنایتکار باشد.

■ گزارش پزشکیان از فعالیت یک‌ساله دولت

در ابتدای این دیدار، رئیس‌جمهور در گزارشی از اهم برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت در یک سال گذشته، مشکلاتی همچون ناترازی انرژی، خشکسالی و برخی مسائل خارجی را از چالش‌های سال اول دولت چهاردهم برشمرد و گفت: با توجه به تأثیر مستقیم انرژی بر مسئله تولید برای حل مشکل انرژی تلاش زیادی کردیم که منجر به بهبود وضعیت نسبت به سال گذشته شد؛ البته هنوز ناترازی جبران نشده و باید از مردم و تولیدکنندگان برای قطع ناگزیر برق و گاز عذرخواهی کنیم.

دکتر پزشکیان برنامه وزارت نیرو برای کاهش مصرف برق در سال جاری را مؤثر دانست و افزود: در زمینه آب با توجه به پیش‌بینی استمرار خشکسالی، تیم‌های کارشناسی از اساتید برجسته برای حل مشکل شکل گرفته است.

رئیس‌جمهور به برنامه دولت برای نصب ۷ هزار مگاوات برق خورشیدی تا پایان سال اشاره کرد و افزود: در زمینه ذخایر سوخت، امسال ذخایر به بیش از ۳ میلیارد مترمکعب افزایش یافت تا در زمستان مشکل کمتری نسبت به سال گذشته داشته باشیم.

آقای پزشکیان، ارتقای انسجام ملی را دستور کار مهم دولت خواند و افزود: اگر همه با هم متحد باشیم هیچ قدرتی توان به زانو درآوردن ایرانیان را نخواهد داشت و همچنان که در جنگ تحمیلی اخیر، همدلی مردم باعث ناامیدی دشمن شد، با جلب مشارکت مردم می‌توان بر همه مشکلات غلبه کرد.

رئیس‌جمهور «رشد اقتصادی و مهار تورم» را اولویت دیگر دولت اعلام کرد و افزود: گسترش دولت و افزایش هزینه‌های آن از جمله عوامل اصلی تورم است که قصد داریم با همکاری مجلس و دستگاه‌های دیگر، ساختار اداری را اصلاح و دولت را کوچک و چابک کنیم و با اصلاح ساختار بودجه، پرداخت بر اساس عملکرد را دنبال کنیم. البته یکی دیگر از عوامل تورم نیز مشکلات نظام بانکی است که در این زمینه بانک مرکزی وظیفه نظارت و کنترل دارد. آقای پزشکیان، «گسترش عدالت آموزشی» را دستور کار دیگر دولت خواند و با اشاره به بهره‌برداری از ۲۴۰۰ مدرسه جدید در سال جدید تحصیلی افزود: نهضت عظیم مدرسه‌سازی را با الگوی محله‌محوری و استفاده از مشارکت مردمی دنبال می‌کنیم.

رئیس‌جمهور، تخصیص کالابرگ به ۷ دهک جامعه را از جمله اقدامات دولت برای «افزایش رفاه اجتماعی و کاهش هزینه‌های معیشت مردم» خواند و گفت: مصمم هستیم که هر ماه به مردم کالابرگ داده شود.

آقای پزشکیان، پیگیری طرح «پزشک خانواده و نظام ارجاع» را از اولویت‌های دولت در بخش سلامت دانست و با تجلیل از نقش‌آفرینی و خدمات تحسین‌برانگیز کادر بهداشت و درمان در جنگ تحمیلی اخیر، برنامه دولت در بخش دیپلماسی را توسعه روابط خارجی خواند و گفت: روابط کشور با همه همسایگان در زمینه‌های مختلف بهتر از گذشته است و با تقویت این روابط و همکاری‌ها، تصور اروپا و امریکا مبنی بر متوقف کردن ما با تحریم راه به جایی نخواهد برد.

دکتر پزشکیان با اشاره به تفاهم‌ها و توافقات مهم جمهوری اسلامی با کشورهایی همچون روسیه، چین، عراق، ترکیه و کشورهای اوراسیا، افزود: طرفین مصمم هستند آنچه بر روی کاغذ نوشته شده، عملیاتی شود. رئیس‌جمهور توسعه زیرساخت‌های حیاتی با تکیه بر تکمیل کریدورهای اساسی و تکمیل بنادر و آزادراه‌ها را مورد توجه دولت دانست و با تأکید بر تکمیل راه‌آهن زاهدان به چابهار تا پایان سال گفت: از نقاط درخشان جنگ اخیر، فعالیت پر حجم کامیونداران در حمل و نقل کالا از بنادر بود.

آقای پزشکیان برنامه دولت در بخش نفت و گاز را افزایش ۲۵۰ هزار بشکه‌ای تولید روزانه نفت در سال جاری خواند و با اشاره به جمع‌آوری بیش از ۱۰ میلیون مترمکعب گازهای فِلر در سال جاری، افزود: ارزش این میزان گاز معادل ۷۰۰ میلیون دلار است و برنامه دولت بازگرداندن کل گازهای فلر به چرخه، ظرف یک تا دو سال آینده است.

رئیس‌جمهور گفت: دولت قول می‌دهد با همه وجود برای رفع نارسایی‌ها تلاش کند و معتقدیم همه مشکلات با توکل بر خدا، هدایت‌های رهبری معظم انقلاب، مشارکت و همدلی مردم و انسجام و هماهنگی استثنایی که امروز بین قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح وجود دارد قابل حل است و بر همه آنها فائق خواهیم آمد.

گزارش

رحیم زیادعلی

طرح تقویت بنیه دفاعی کشور در کمیسیون امنیت ملی تصویب شد

اجماع ملی برای تقویت بازدارندگی دفاعی

طرح مجلس نه به محدودسازی و آری به توسعه قدرت موشکی است

پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه جمهوری اسلامی ایران که امریکا و دشمن صهیونیستی، با فرماندهی حکیمانه رهبر معظم انقلاب، دفاع جانانه نیروهای مسلح و اتحاد و انسجام ملی ناکام ماندند، بار دیگر این واقعیت مسلم برای همه نخبگان سیاسی، نظامی و آحاد ملت ایران اثبات شد که قدرت دفاعی و توان بازدارندگی، ستون فقرات امنیت ملی کشور است. این تجربه تلخ اما آموزنده، در کنار تهدیدات فزاینده منطقه‌ای و فشارهای بین‌المللی، موجب شد تا مجلس شورای اسلامی ۲ تیرماه گذشته با رأی قاطع ۲۲۰ نماینده به کلیات طرحی رأی داد که بر اساس آن دولت موظف به تقویت بنیه دفاعی کشور شود.

این طرح که روز گذشته در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز به تأیید رسید، به‌زودی برای بررسی نهایی وارد صحن علنی مجلس خواهد شد. اتفاق نظر نمایندگان ملت در حمایت از این طرح، تنها یک تصمیم سیاسی نیست، بلکه پاسخی راهبردی به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و نشانه‌ای آشکار از اجماع داخلی در دفاع از خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران است.

ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دیروز در توضیح این طرح گفت: این طرح مشتمل بر یک ماده واحده و شش بند است که با هدف تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح در مقابله همه‌جانبه با جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی در ایام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با حضور دستگاه‌های مختلف در کمیته دفاعی تدوین شد و با اکثریت قاطع آرا به تصویب رسید. در بند اول این طرح گفته شده که سازمان برنامه و بودجه و وزارت نفت مکلف‌اند که ۱۰۰ درصد بودجه سال ۱۴۰۴ مربوط به تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح و بخش باقی مانده بودجه تأمین نشده سال ۱۴۰۳ را پرداخت کنند. همچنین در بند دوم، سازمان برنامه و بودجه مکلف شده است که ۱۰۰ درصد سهم سالانه مصوبات شورای عالی امنیت ملی مربوط به منابع تقویت بنیه دفاعی را از محل صرفه‌جویی در هزینه‌های بودجه عمومی کشور یا واگذاری سهم فروش نفت پرداخت کند. در بند سوم، بانک مرکزی مکلف است که در سقف ۲ میلیارد یورو از منابع مسدودی یا سایر منابع ارزی خارج از کشور یا در اختیار را به صورت تسهیلات صفر درصد با تضمین بازپرداخت آن توسط سازمان برنامه و بودجه، یا در صورت اذن مقام معظم رهبری از منابع صندوق توسعه ملی جهت اجرای طرح‌های اضطراری دفاعی در اختیار ستاد کل نیروهای مسلح قرار دهد.

عضو هیئت رئیسه کمیسیون امنیت ملی سیاست خارجی مجلس اضافه کرد: در بند ۴، سازمان برنامه و بودجه مکلف به همکاری با بانک مرکزی و وزارت اقتصاد شد تا معادل ۲ میلیارد یورو برای خرید خارجی اقلام عمده دفاعی با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح در اختیار وزارت دفاع قرار دهد.

رضایی درباره بند ۵ این طرح گفت: در این بند سازمان برنامه بودجه و وزارت نفت مجازند که بابت پشتیبانی امور دفاعی مبلغ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار در قالب تخصیص نفت به ستاد کل نیروهای مسلح واگذار کنند. همچنین بر اساس بند ۶ هم سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از درآمد استفاده از دالان هوایی کشور یا ترانزیت هوایی بابت تقویت سامانه‌های پدافند هوایی به ارتش اختصاص خواهد یافت. وی خاطرنشان کرد: با تصویب این طرح در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، انتظار داریم که نگرانی‌ها برای نیروهای مسلح رفع شود و تحولی در وضعیت امکانات، تجهیزات و معیشت نیروهای مسلح اتفاق افتاده و در جلسات آینده در صحن علنی مجلس بررسی و رسیدگی شود.

■ توان دفاعی، نه موضوع مذاکره و نه محل امتیاز دادن

در مقابل اما طی هفته‌های اخیر، برخی کشورهای غربی، به‌ویژه اعضای باقی‌مانده در برجام، محدودسازی توان موشکی و دفاعی ایران را به‌طور تلویحی به‌عنوان پیش‌شرطی برای بازگشت به میز مذاکره مطرح کرده‌اند. این در حالی است که مقامات جمهوری اسلامی ایران، در بالاترین سطوح، چنین مطالباتی را قاطعانه رد کرده‌اند. در همین راستا، علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور در دهم شهریور، در پیامی توییتری نوشت: «کدام ایرانی باغیرتی امروز خواهان این است که سلاح خود را تحویل دشمن دهد؟»

لاریجانی اضافه کرده بود: «امریکایی‌ها فقط حرف از مذاکره می‌زنند و پای میز مذاکره نمی‌آیند و به غلط می‌گویند جمهوری اسلامی مذاکره نمی‌کند! در حالی که ما به دنبال مذاکره عاقلانه هستیم. آنان با طرح مسائلی که خود می‌دانند امکان تحقق آن وجود ندارد، مثل محدودیت‌های موشکی، مدلی را مطرح می‌کنند که عملاً مسیر مذاکره را منتفی کند.» این موضع نه‌تنها بیانگر دیدگاه یک مقام مسئول، بلکه نشان‌دهنده روحیه و اراده ملی برای ایستادگی بر اصول امنیتی و راهبردی کشور است.

■ تجربه‌ای که به قدرت بدل شد

تمنای غرب برای کاهش توان دفاعی و موشکی در حالی است که جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته، همواره تحت شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی غرب قرار داشته، اما همین محدودیت‌ها موجب شد نگاه مسئولان کشور به درون معطوف شود. امروز، توان موشکی ایران، از جمله در زمینه ساخت موشک‌های بالستیک، کروز، سامانه‌های پدافندی پیشرفته و پهپادهای بومی، نمونه‌ای کم‌نظیر از خوداتکایی و نوآوری داخلی است. این دستاوردها صرفاً یک پیشرفت فناورانه نیستند، بلکه مبنای بازدارندگی فعال ایران در برابر تهدیدات خارجی محسوب می‌شوند و بدیهی است که به تعبیر دبیر شورای عالی امنیت ملی هیچ آدم عاقلی سلاح خود را به میز مذاکره نمی‌سپارد.

■ اراده سه قوه برای تقویت بنیه دفاعی

نگاهی به مواضع اخیر مقامات قوه مجریه، مقننه و قضائیه نشان می‌دهد که در موضوع تقویت توان دفاعی، هیچ گونه تردید یا دودلی وجود ندارد. نه تنها مجلس با تصویب طرح الزام دولت به تقویت بنیه دفاعی، مسیر قانونی آن را هموار کرده، بلکه دولت نیز با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، سرمایه‌گذاری در حوزه دفاعی را اولویتی ملی می‌داند. قوه قضائیه نیز در برخورد با هرگونه اقدام علیه امنیت ملی، از جمله نفوذ یا تخریب در صنایع دفاعی، با قاطعیت عمل کرده است. این هماهنگی سه‌جانبه، نشان می‌دهد که توان دفاعی ایران، نه یک گزینه سیاسی، بلکه یک اصل غیرقابل معامله است.

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر تجربیات گذشته، از جمله جنگ تحمیلی هشت ساله و همچنین تهدیدات اخیر، به این باور رسیده است که تنها راه صیانت از استقلال، امنیت و عزت ملی، تقویت مستمر بنیه دفاعی کشور است. امروز، نه تنها هیچ مسئول و مقام دلسوزی حاضر به کوتاه آمدن در این زمینه نیست، بلکه با اجماع عمومی، تقویت توان دفاعی به‌عنوان یک راهبرد بلندمدت در دستور کار قرار گرفته است.

در شرایطی که دشمنان جمهوری اسلامی ایران خواهان تضعیف ابزارهای بازدارنده کشور هستند، ایران مسیر معکوس را برگزیده: مسیر تقویت، توسعه و ارتقا. این رویکرد، نه‌تنها ضامن امنیت ملی است، بلکه پیام روشنی به همه جهان مخابره می‌کند: قدرت دفاعی ایران خط قرمز است و هرگونه تلاش برای عبور از آن، بی‌پاسخ نخواهد ماند.

ستون دوشنبه‌ها

از حاشیه تا متن

تقی دژاکام
روزنامه‌نگار

اگر جلال امروز بود

حتماً برای شما هم پیش آمده است که بنشینید و فکر کنید که اگر فلان شخصیت سیاسی، فرهنگی، علمی، ادبی یا فرهنگی الان زنده بود، درباره مثلاً جمهوری اسلامی چه نظری داشت، الان جزو کدام گروه و دسته یا طیف سیاسی بود، نظرش درباره امریکا، درباره اسرائیل و درباره جنایات و نسل‌کشی دو سال اخیر در غزه چه بود، درباره چین و روسیه چه نظری داشت، به وضعیت فرهنگی کشورمان چه واکنشی نشان می‌داد، راه برون‌رفت از برخی بحران‌ها و مشکلات سیاسی، اجرایی و اجتماعی کشورمان را چه می‌دانست و مواردی از این‌دست. بعد هم نشسته‌اید و با استناد به موضعگیری‌های آن شخصیت در موارد مشابه سعی کرده‌اید به نتیجه‌ای و پاسخی برای این سؤالات برسید.

من هم مثل شما از این فکرها کرده‌ام. و مثل شما نشسته‌ام و با مواضع موجود شخصیت‌ها سعی کرده‌ام مواضع احتمالی امروزشان را حدس بزنم. مثلاً در مورد جلال آل‌احمد که همین فردا پنجاه‌وششمین سالگرد درگذشت اوست، می‌دانم که درباره سلبریتی‌ها و دنبال‌کنندگانشان چه واکنشی داشت. وقتی یکی از علاقه‌مندانش و به قول امروزی‌ها فالوئرهایش از او درخواست امضا می‌کند و جلال با تندی به او می‌گوید: «جوان اعرابی! به‌جای جمع‌کردن امضای آدم‌ها سعی کن افکارشان را دریابی و نه‌تنها دریابی بلکه نقد کنی و درستش را از نادرست تشخیص دهی.» یا سر کلاس در حالی که فیلم گنج قارون با بازی فردین شش ماه بود که روی پرده بود، نظر دانشجویان را درباره آن پرسید و وقتی اکثر قریب به اتفاق آنها از آن فیلم تعریف و تمجید کردند، متأثر شد و از این تعریف و تمجیدهای دانشجویان انتقاد کرد و سپس به نقد فیلم پرداخت.

خودش هم نمی‌خواست در جایگاه یک سلبریتی گوگولی شناخته شود، بلکه تأکید داشت حق را بگوید حتی اگر همه با او بد بشوند: «من دست‌کم خودم می‌دانم که با این قلم جوری تا نکرده‌ام که دل کسی را به‌دست بیاورم، چه رسد به "وجاهت ملی". من زده‌ام و خورده‌ام و با این زدوخورد، دست‌کم خودم را نیز نگه‌داشته‌ام؛ بی‌هیچ منتی بر احدی.»

درباره «امر ملی» و تکیه بر توان و تولید داخلی و شخصیت‌های علمی و فرهنگی ایرانی و آداب‌ورسوم مناطق مختلف هم نمونه‌های فراوانی از او در دست است که نشان می‌دهد اگر امروز بود چگونه موضع می‌گرفت. مثلاً «مهم نیست که آسیاب‌های دزفول موتوری بشوند. مهم‌تر این است که ملاک ارزش اخلاقی دزفولی‌ها به چه چیز جای خواهد داد؟ هجوم استعمار که تنها به قصد غارت مواد خام معدنی و مواد پخته آدمی (فرار مغزها) مستعمرات صورت می‌گیرد؛ بلکه این هجوم، زبان و آداب و موسیقی و اخلاق و مذهب محیط‌های مستعمراتی را نیز ویران می‌کند. و آیا صحیح است که روشنفکر ایرانی به‌جای ایستادگی در مقابل این هجوم همه‌جانبه، شریک جرم استعمار بشود؟» یا آنجا که بارها دانشجویان را از خودباختگی در برابر اسامی شخصیت‌های خارجی و کم‌پنداری مقام شخصیت‌های علمی و فرهنگی ایرانی برحذر می‌داد و مثلاً ژان ژاک روسو را انگشت کوچک ابوحامد غزالی هم نمی‌دانست و به تجلیل از دانشجویانی می‌پرداخت که در تحقیقاتشان به برتری دانشمندان ایرانی و اسلامی به غربی‌ها می‌پرداختند.

درباره آزادی بیان و اندیشه، شاید جلال تنها یا یکی از موارد نادری بود که در میان استادان دانشگاه اجازه می‌داد و حتی تشویق می‌کرد که دانشجویان به رد نظرات او بپردازند و با او مخالفت و محاجه کنند و کسانی که این‌گونه بودند تا آخر ترم مورد لطف و عنایت او قرار داشتند. خودش هم از کسانی بود که آشکارا با رفتار و عقاید دیگر اساتید و حتی رئیس دانشکده مخالفت می‌کرد و از آنها می‌خواست برای معلوم شدن حقیقت، در جلوی دانشجویان «مناظره» کنند و در مناظره هم اجازه می‌داد طرف مقابل کامل همه حرف‌ها و استدلال‌هایش را مطرح کند و سپس خود به نقد و تخطئه آن فکر یا رفتار می‌پرداخت.

در حوزه فرهنگ هم می‌توان حدس زد که اگر جلال امروز زنده بود، در چه مواردی چه مواضعی می‌گرفت. او از اینکه فرهنگ و نشر و حتی کتاب‌های درسی کشور در اختیار بنگاه امریکایی فرانکلین است به شدت عصبانی بود و صریحاً علیه آنها موضع می‌گرفت و می‌نوشت: «من در عین حال که مباشرانِ ایرانی این بنگاه را تحسین می‌کنم که در شرب‌الیهود سیاسی و اجتماعی این مملکت چنین سریع از راه رسیده‌اند و چنین قطعی دست به همه‌جا انداخته‌اند، اما به همه کتاب‌خوان‌ها و کتاب‌نویس‌ها و کتاب‌فروش‌ها هم اعلام خطر می‌کنم که از این پس، سروکارتان با یک تراست مطبوعاتی است. دیگر زمانه فعالیت در قلمروهای کوچک و شخصی و خصوصی گذشته است. از این پس اگر می‌خواهید چیزی بنویسید، اگر می‌خواهید کتاب شعری چاپ کنید، اگر خیال تأسیس یک بنگاه نشر کتاب دارید، اگر کتاب‌نویس مدرسه‌ای هستید، اگر کتاب‌فروش دوره‌گردید، اگر می‌خواهید مجله سنگین و وزینی راه بیندازید و برای همه این کارها اگر نمی‌خواهید متضرر شوید و دربمانید، قبلاً با بنگاه فرانکلین مذاکره کنید!»

و خلاصه، او که برای نوشتن رمان تند سیاسی «نون والقلم» یک دوره کامل تفسیر قرآن خوانده بود، برای «قلم» ارزشی و جایگاهی فوق‌العاده قائل بود و از جمله معتقد بود:

«همه حرف و سخن‌های عالم، از همین ۳۲ تا حرف درست شده است؛ به هر زبان که بنویسی اصل قضیه فرق نمی‌کند. هر چه فحش و بدوبیراه هست، هر چه کلام مقدس داریم – حتی اسم اعظم خدا – همه‌شان را با همین ۳۲ تا حرف می‌نویسند. می‌خواهم بگویم مبادا یک‌وقت، این کوره‌سوادی که داری جلوی چشمت را بگیرد و حق را زیر پا بگذاری. یادت هم باشد که ابزار کار شیطان هم همین ۳۲ تا حرف است، حکم قتل همه بیگناه‌ها و گناهکارها را هم با همین حروف می‌نویسند. حالا که این‌طور است مبادا قلمت به ناحق بگردد و این حروف در دست تو یا روی کاغذت بشود ابزار کار شیطان.»

هرچه از عمر جلال بیشتر می‌گذشت علاقه و ارادت او به روحانیان انقلابی، به‌خصوص امام خمینی بیشتر و بیشتر می‌شد تا جایی که درست در وسط حج، برای امام آن نامه را می‌نویسد که به قول حاج‌آقا مجتبی تهرانی هیچ مریدی این‌گونه برای مرادش ننوشته است. یا در همان سفر حج، چنان به عبادت خو می‌کند و از نماز لذت می‌برد که نگارنده فکر نمی‌کند هیچ عالمی درباره برخاستن برای نماز صبح این‌گونه لطیف و دل‌انگیز سخن گفته باشد:

«بزرگ‌ترین غبن این سال‌های بی‌نمازی از دست دادن صبح‌ها بوده؛ با بویش، با لطافت سرمایش، با رفت‌وآمد چالاک مردم. پیش از آفتاب که برمی‌خیزی انگار پیش از خلقت برخاسته‌ای. و هر روز شاهد مجدد این تحول روزانه بودن، از تاریکی به روشنایی. از خواب به بیداری. و از سکون به حرکت.»

سخت نیست دانستن مواضع امروز مردی که هرچه می‌گذشت بر غیرت، حمیت، دینداری و شجاعت او افزوده می‌شد و در این راه، حتی دوستان نزدیک و یاران غارش هم نمی‌توانستند مانع حق‌طلبی او شوند. روحش شاد.